# ۹۵۰۲۲۲-۷۵۵

**چهار‌شنبه – جلسۀ ۱۲۹**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث راجع به کسی بود که مصدود شد بعد از احرام حج از وقوف به عرفات و مشعر.

مرحوم آقای خوئی فرمودند که این آقا چون مصدود هست وظیفه مصدود این است که یذبح حیث صد، اگر می خواهد از احرام خارج بشود یک راه بیشتر ندارد و آن این است که ذبح کند قربانی را و احتیاط واجب این است که حلق و تقصیر کند از احرام خارج بشود. نمی تواند بگوید صبر می کنم بعد از فوت موقفین آزاد می شوم به مکه می روم اعمال عمره مفرده را بجا می آورم. و لو ادعای اجماع شده بر جواز این کار. اگر اجماع تعبدی ثابت بشود ما تعبدا می پذیریم و الا ظاهر ادله خلاف این حکم است. ظاهر ادله این است که المصدود یذبح حیث صد و المحصور یبعث بهدیه این واجب تعیینی است که مصدود یذبح حیث صد. نه واجب تکلیفی تعیینی، واجب شرطی تعیینی است. یعنی اگر می خواهد از احرام خارج بشود یک راه بیشتر ندارد. اتیان به عمره مفرده راهش نیست. راهش ذبح است و بعد حلق و تقصیر بنابر احتیاط واجب.

ایشان فرموده است که خود آیه شریفه هم غیر از موثقه زراره فرمود فان احصرتم فما استیسر من الهدی. متعین کرد ذبح الهدی را بر کسی که ممنوع هست از حج که شامل مصدود هم می شود. و آن روایاتی که دارد من فاته الموقفان کسی که وقوف عرفات و مشعر از او فوت بشود حجش مبدل به عمره مفرده می شود، یک عامی است که قابل تخصیص است با این ادله که در مصدود وارد شده.

بعد ایشان فرموده که بالاتر بگویم. اصلا این دلیل هایی که راجع به تبدل حج به عمره مفرده است در رابطه با کسی که فاته الموقفان انصراف دارد از مصدود. ظاهرش این است که کسی می توانست وقوفین را درک کند، واجب هم بود وقوفین را درک کند، اما اتفاقا وقوفین را درک نکرد، محللش می شود عمره مفرده. شامل کسی نمی شود که از ابتداء به او گفتند تو نمی توانی موقفین را درک کنی محلل تو ذبح است. من قدم مکة حاجا و قد فاته الموقفان فلیجعله عمرة مفردة ایشان می گوید انصراف دارد از مصدود عن الموقفین.

ایشان فرموده بله، یک روایت صحیحه داریم؛ این موافق با نظر محقق حلی و صاحب جواهر هست. صحیحه فضل بن یونس. در کافی این صحیحه را نقل کرده عن احمد بن محمد بن عیسی عن الفضل بن یونس و این سقط دارد. قطعا احمد بن محمد بن عیسی بلاواسطه از فضل بن یونس نقل نمی کند. در تهذیب واسطه را ذکر کرده. گفته احمد بن محمد عن الحسن بن المحبوب عن الفضل بن یونس. مشکل سقط برطرف می شود. پس سند، تمام است.

عن ابی الحسن علیه السلام قال سألته عن رجل عرض له سلطان فأخذه ظالما له یوم عرفة،‌سلطان این شخص را در روز عرفه دستگیر کرد، بعد از احرامش به حج و قبل از وقوفش به عرفه، فبعث به الی مکة، او را به زندان مکه فرستادند، فلما کان یوم النحر خلی سبیله، روز عید قربان او را آزاد کردند، کیف یصنع؟ حال چه بکند؟ فقال:‌یلحق فیبت بجمع، برود در مشعر وقوف کند قبل از ظهر روز عید قربان، ثم ینصرف الی منی، بعد بیاید منی اعمال حج را بجا بیاورد و لاشیء علیه، قلت فان خلی عنه یوم النفر، اگر روز سیزدهم ذیحجه او را آزاد بکنند چه؟ قال هذا مصدود عن الحج این دیگر مصدود از حج شده، ان کان متمتعا بالعمرة الی الحج فلیطف بالبیت اسبوعا، اگر متمتع بود یعنی حج تمتع بجا آورده بود، نه عمره تمتع، بعد از عمره تمتع محرم شده بود به حج تمتع، عمره مفرده بجا بیاورد فلیطف بالبیت اسبوعا ثم یسعی اسبوعا و یحلق رأسه و یذبح شاة فان کان مفردا للحج فلیس علیه ذبح، اگر حج افراد بود عمره مفرده بجا بیاورد و ذبحی بر عهده او نیست.

در نسخه تهذیب این ذیل را این طور نقل کرده: فان کان مفردا للحج فلیس علیه ذبح و لا حلق.

[سؤال: ... جواب:] ان کان متمتعا با ان کان دخل مکة متمتعا فرقی نمی کند. ... فرق این است که مورد روایت این هست که این شخص روز عرفه یعنی بعد از احرام حج دستگیر شد. روز عرفه که محرم نمی شدند. روز هشتم محرم می شدند. روز عرفه قبل از وقوف به عرفه و نه قبل از احرام، قبل از وقوف به عرفه دستگیر شد. یعنی احرام به حج بسته بود حج تمتع یا حج افراد. حکم هر دو را هم بیان کرد.

در تهذیب دارد: و ان کان مفردا للحج فلیس علیه ذبح و لاحلق. در کافی دارد: و ان کان مفردا للحج فلیس علیه ذبح و لاشیء علیه. و لاحلق ندارد.

[سؤال: ... جواب:] فرقش این است که در مورد حج افراد در کافی می گوید لیس علیه ذبح اما در تهذیب می گوید لیس علیه ذبح و لاحلق. ... حالا این را بعدا بررسی می کنیم.

آقای خوئی فرموده که این روایت بله، مفادش این است که مصدود متحلل می شود به عمره مفرده. ولی این روایت قابل التزام نیست. چرا؟ برای این که این روایت مطالبی دارد هیچکس به او ملتزم نشده. اگر منقلب می شود حج به عمره مفرده، ذبح نمی خواهد. ذبحی که نمی خواهد مطرح کردند؛ طواف نسائی که می خواهد مطرح نکردند. مگر کسی قائل شده که بجای طواف نساء، این شخص در عمره مفرده اش ذبح کند؟ قابل التزام نیست. و نقل تهذیب هم که اوضح اشکالا است که می گفت اگر حج افراد است لیس علیه حلق و لاذبح. نه ذبح بر عهده او است نه حلق بر عهده او است طواف نساء هم که نگفت. این ها چیزهایی است که قابل التزام نیست. می شود یک حدیث شاذ که یرد علمه الی اهله.

آقای خوئی فرموده شاهد بر این که این روایت مهجور است این است که امام نفرمود این آقا وظیفه اش این است که عمره مفرده بجا بیاورد. اول فرمود هذا مصدود بعد حکم مصدود را بیان کرد. این خیلی مهم است. اول فرمود هذا مصدود بعد فرمود که یطوف و یسعی و یذبح. واقعا مصدود حکمش این است؟ مصدود که در روایات کثیره گفتند حکمش این است یذبح و یحلق او یقصر. اگر نمی فرمود هذا مصدود باز قابل توجیه بود می گفتیم استثناء این ‌آقا حکمش این است که روز سیزدهم که آزاد شد حکمش این است که اعمال عمره مفرده را به این شکل بجا بیاورد. اما اول فرمود هذا مصدود بعد حکم مصدود را این طور بیان کرد این قابل التزام نیست.

نفرمایید که آقا! شما که این روایت را می گویید مهجورة شاذة لابد من رد علمها الی اهلها در بحث اکتفاء وقوف نهاری مشعر برای مضطر به همین صحیحه تمسک کردید. گفتید کسی که از روی اضطرار فقط بعد از طلوع آفتاب تا قبل از ظهر لحظاتی را در مشعر باشد حجش صحیح است لصحیحة فضل بن یونس. حالا این صحیحه شد شاذة مهجورة لابد من رد علمها الی اهلها؟

ایشان در جواب ممکن است بفرمایند که من این فقره ثانیه صحیحه را می گویم که فان خلی عنه یوم النفر اما آن صدرش که ان خلی عنه یوم النحر او که مهجور نیست. تفکیک در حجیت و تبعیض در حجیت می کنیم.

بعد ‌آقای خوئی در ادامه فرموده که پس ما نتیجه گرفتیم مصدود از وقوفین، باید ذبح کند. تبدل به عمره مفرده درست نیست. حالا بعد از ذبح احتیاط واجب این است که حلق یا تقصیر کند. بخاطر آن روایت تفسیر قمی. و آنچه که در جواهر هست که استدلال کرده در جواهر به و ان کان مفردا للحج فلیس علیه ذبح و لاحلق که نقل تهذیب است، و این که این آقا نیاز به حلق یا تقصیر ندارد. درست نیست آقای صاحب جواهر. کلمه و لاحلق د نقل تهذیب بود معارض با نقل کافی است. شما دارید به یک نقلی که در تهذیب است و مبتلا به معارض است تمسک می کنید بر این که حلق بر این شخص نیست؟ وانگهی اگر نقل تهذیب برای تان مهم است در تهذیب دارد فلیس علیه ذبح و لا حلق. شما ذبحش را واجب می دانید ولی حلقش را واجب نمی دانید استناد می کنید به نقل تهذیب. این خیلی عجیب است. و لذا ایشان فرموده است احتیاط واجب بخاطر روایت تفسیر قمی صحیحه عبدالله بن سنان این هست که بعد از ذبح این مصدود حلق یا تقصیر می کند.

این فرمایش آقای خوئی.

به نظر ما این فرمایش ایرادهایی دارد.

ایراد اول: آقا! انصافا فرمایش محقق حلی در شرائع و صاحب جواهر که نسبت به اجماع هم داده شده کاملا عرفی است. چرا؟ برای این که عرف از المصدود یذبح حیث صد یا فان احصرتم فما استیسر من الهدی نمی فهمد که اگر این آقا صبر کند و بعد صد او برطرف بشود بتواند عمره مفرده بجا بیاورد این آیه و روایت بگویند نخیر؛ عمره مفرده بی عمره مفرده. این ظهور ندارد. ظاهرش این است که می گویند مصدودید، برای این که راحت بشوید از احرام خارج بشوید راهش این است که ذبح کنید. اما اگر نخواستید از احرام خارج بشوید صبر کردید فوت موقفین شد، تازه اگر روز یازدهم بود باید صبر کنید تا بعد از روز سیزدهم ایام تشریق عمره مفرده ندارد، اگر می خواهید عمره مفرده بجا بیاورید از روز یازدهم تا روز سیزدهم عمره مفرده نیست بعد روز سیزدهم می توانی عمره مفرده بجا بیاوری با آن احرام حجت. انصافا ظهور این آیه و روایت این نیست که نخیر؛ این کار ممنوع است. الا و لابد تنها راه چاره تو این است که احکام مصدود را بار کنی و ذبح یا حلق و تقصیر بکنی. انصاف این است که این کار خلاف استظهار عرفی است.

[سؤال: ... جواب:] یذبح حیث صد برای تخلص در مقام توهم حظر است. برای تخلص این مصدود گفتند آقای مصدود! تسهیل بر تو این است که مصدود شدی ذبح کن. اما این که صبر کنی فوت موقفین بشود بعد بخواهی اعمال عمره مفرده را بجا بیاوری ما به تو این اجازه را نمی دهیم انصافا همچون ظهوری ندارد. نه موثقه زراره المصدود یذبح حیث صد نه آیه فان احصرتم فما استیسر من الهدی. علاوه بر این که عرض کردم عرفا وقتی دیگر آزاد شد گذاشتند بروند مکه برای اعمال عمره مفرده دیگر بالفعل مصدود هم نیست. مصدود عن الموقفین بود موقفین هم که گذشت حالا هم که آزاد است برود مکه. انصاف این است که هیچ ظهوری ادله مصدود در منع از اتیان این شخص به عمره مفرده بعد از فوت موقفین ندارد. ... الان دیگه به قول مطلق مصدود نیست. و لذا همان طور که کشف اللثام دارد بعد از این که موقفین فوت شد دیگر نمی تواند ذبح کند باید اعمال عمره مفرده را بجا بیاورد. آن اجازه‌ای که دادند یذبح حیث صد زمان صد فعلی بود. اما بعد از فوت موقفین که می گذارند برود مکه عمره مفرده بجا بیاورد نمی گویند المصدود، هذا لیس بمصدود فعلا، المحصر، هذا لیس بمحصر فعلا. و لذا اعمال عمره مفرده بجا می آورد.

ثانیا: صحیحه فضل بن یونس چه مشکلی داشت؟ چی مشکلی دارد ما ملتزم بشویم مصدودی که فاته الموقفان، آزاد شد، هنوز محرم هست، هیچ کاری نکرده است برای خروج از احرام،که مضمون صحیحه فضل بن یونس است خلی عنه یوم النفر این مصدود که لم یتحلل قبل فوت الموقفین متعین است اعمال عمره مفرده را بجا بیاورد. کجا خلاف ضرورت است. این که در روایت ذبح دارد فوقش می گویید ذبح واجب نیست حمل بر استحباب بکنید. چرا تمام معادلات را بهم می ریزید. می گویید ذبح وجوب ندارد خب بگویید مستحب است. این همه دعوا ندارد.

و این که می گویید بعد از حلق نگفت طواف نساء، بله، مستحب است چون از حج تمتع مبدل شد به عمره مفرده اگر می گویید وجوبش خلاف تسالم است مستحب است یک قربانی بکشد مستحب مؤکد است یک قربانی بکشد. چه اشکالی دارد. می گویید طواف نساء را نگفتند. خب نگویند. خود این که روایت می گوید یطوف و یسعی و یحلق یعنی عمره مفرده. وقتی می گویند عمره مفرده بجا بیاور طواف نساء هم در کنارش هست. حالا در این روایت تصریح کنند طواف نساء بجا بیاور. همین که بگویند طواف کن سعی کن حلق کن یعنی عمره مفرده. و وقتی می گویند عمره مفرده، در او طواف نساء هم آمده است.

[سؤال: ... جواب:] طواف نساء خلاف تقیه بود. خیلی مطرح نمی کردند. وقتی می گویند عمره مفرده، طواف نساء هم کنارش هست. روایات دیگر گفته. ... حالا این خیلی ها که شما می گویید ما خبر نداریم که عمره مفرده ای که از حج تمتع به آن عدول بکنیم طواف نساء ندارد، من نشنیدم اگر هم بگویند ندارد چه بهتر. ولی ما طبق استظهار از عمومات که صاحب العمرة المبتولة علیه طواف النساء، حج تمتع هم که طواف نساء داشت، آن معدول عنه هم طواف نساء داشت معدول الیه هم که طواف نساء دارد ظاهر این است که طواف نساء واجب است. حالا در این حدیث نص خاص بر وجوب طواف نساء نیست. نخواستند خیلی خلاف تقیه سخن بگویند. عمومات دیگر گفت طواف نساء‌واجب است. این که مشکلی پیش نمی آورد. و لذا ببینیم آقای سیستانی در مناسک شان دارند که المصدود فی حج التمتع ان کان مصدودا عن الموقفین فالاحوط وجوبا ان یطوف و یسعی و یحلق رأسه و یذبح شاة. ایشان تازه احتیاط واجب می کند در ذبح شاة. و تخییره فی تقدیم الحق او الذبح. مخیر است اول حلق کند بعد ذبح کند یا اول ذبح کند بعد حلق کند. چون در روایت داشت حلق و ذبح شاة. روایت اول حلق را گفت بعد ذبح شاة را گفت. این اشکالی ندارد.

[سؤال: ... جواب:] حالا بحثش جای خودش. ظاهر یطوف و یسعی یعنی عمره مفرده بجا بیاورد. عمره مفرده هم ظاهرش این است که طواف نساء دارد طبق ادله دیگر. پس ما مشکلی نداریم. ملتزم می شویم به مضمون صحیحه فضل بن یونس.

[سؤال: ... جواب:] متمتعا صحیحه فضل بن یونس گفت اگر متمتع بود حکمش این است. اگر مفرد بود حکمش این است.

ثالثا: این مطلبی که از جواهر نقل کردید که جواهر می گوید این مصدود که ذبح کرد حلق بر او واجب نیست چون در صحیحه فضل بن یونس گفته فلیس علیه حلق. آقا! اصلا جواهر متعرض این مطلب نشده. جواهر می گوید این صحیحه دلالت می کند که مبدل می شود حج این شخص به عمره مفرده و چون عمره مفرده حلق در او واجب تعیینی نیست، تقصیر هم واجب تعیینی نیست، پس مخیر است بین حلق و تقصیر. اصلا به این ذیل استدلال نکرده. به آن صدر استدلال کرد. به آن جمله که یطوف و یسعی. گفت این ظاهرش عمره مفرده است. چون ظاهرش عمره مفرده است و عمره مفرده نه تقصیر تعیینا واجب است و نه حلق پس مخیر است بین حلق و تقصیر. این را گفت. اصلا به ذیل استدلال نکرد. ایشان استدلالش به این جمله است می خواهد بگوید مصدود بر او حلق متعین نیست، تقصیر متعین نیست، استشهاد کرده به این صحیحه فضل بن یونس. می گوید این صحیحه فضل بن یونس گفت این مصدود اگر صبر کند می تواند عمره مفرده بجا بیاورد و عمره مفرده هم که متعین نیست نه حلق و نه تقصیر مخیر است شخص بین حلق و تقصیر این نشان می دهد که بر مصدود هم حلق یا تقصیر متعین نیست و مخیر است بینهما. صاحب جواهر این را می گوید. اصلا به کلام تهذیب استدلال نکرده.

[سؤال: ... جواب:] ما این استدلال صاحب جواهر را قبول نداریم. چون روایت در مورد عمره مفرده است و در عمره مفرده در اینجا اتفاقا راجع به حج تمتع گفت و یحلق. راجع به حج افراد گفت طبق نقل تهذیب و لاحلق علیه. ؟؟ یعنی لایتعین علیه الحلق بل هو مخیر بین الحلق و التقصیر. ولی بحث در این هست که شما یک نقلی می کنید از جواهر، نقل نادرست بعد اشکال هم می کنید. این درست نیست.

و لذا ما اقوی به نظر ما همین است که مصدود عن الموقفین یجوز له ان یبقی علی احرامه بعد از فوت موقفین متعین می شود بر او عمره مفرده. عمره مفرده اش هم بنابر احتیاط واجب در حج تمتع اگر بود مبدل شد به عمره مفرده غیر از طواف و سعی احتیاط واجب همان طور که آقای سیستانی فرمودند این است که حلق بکند و ذبح بکند و مخیر است اول حلق کند بعد ذبح یا اول ذبح کند بعد حلق تفاوتی ندارد طبق صحیحه فضل بن یونس.

این راجع به قسم اول که مصدود است از موقفین.

[سؤال: ... جواب:] یک بحث این بود که شخص از عمره تمتع مصدود است ولی از موقفین مصدود نیست، آقای سیستانی فرمود که صبر می کند، به موقفین می رود به عنوان حج افراد. اینجا بحث این است که از موقفین مصدود است. ‌آقای سیستانی فرمودند که اگر صبر کند تا موقفین فوت بشود احتیاط واجب این است که با عمره مفرده همراه با حلق و ذبح از احرام خارج بشود که این احتیاط واجب بجا هست طبق صحیحه فضل بن یونس. و نتیجه این می شود که تخییر، طولی است نه عرضی. کشف اللثام هم همین را گفته. قبل از فوت فعلی موقفین ذبح بود، احکام مصدود را بار کن. اما اگر نکردی، این دست و آن دست کردی، تا فوت شد موقفین، شدی مصداق من قدم حاجا و قد فاته الموقفان آنجا باید عمره مفرده بجا بیاوری. و دلیل تبدل حج به عمره مفرده اختصاص ندارد به من قدم مکة و قد فاته الموقفان که بگویید انصراف دارد از مصدود. اللهم ان لم تکن حجة و عمرة این ظاهرش این است که اگر متمکن از حج نبودی مبدل می شود به عمره مفرده. علاوه بر این که عرف الغاء خصوصیت می کند. من قدم مکة حاجا و فاته الموقفان حالا فکر می کرد می رسد و نرسید یا بین راه یک دزدی جلوی او را گرفت و این بخاطر این که دزد جلوی او را گرفت چند روزی مخفی شد در اطراف بعد آمد رسید به زمانی که دیگر موقفین فوت شده بود، اطلاق روایت می گیرد. عرف خصوصیت قائل نیست برای آن کسی که قدم حاجا و قد فاته الموقفان بخاطر این که تاریخ را اشتباه کرده بود. نه؛ و لو در بین راه دزدی باعث سرگردان او شده بود قطاع الطریق راه را بسته بودند چند روزی متوقف شده بود این هم می شود مصدود، مصدود عن الموقفین. موقعی آمد مکه که فاته الموقفان روایت می گوید جعله عمرة مفردة. و انصرافی که آقای خوئی ادعا کرد در این روایت از مصدود وجهی ندارد. این راجع به قسم اول.

[سؤال: ... جواب:] در بحث گذشته گفتیم الان هم می گوییم کسی که متمکن از عمره تمتع نیست و مصدود شد لزومی ندارد صبر کند تا ظهر روز عرفه ولی اگر صبر کرد ما هم می گوییم حجش تبدیل می شود به حج افراد. اختلاف ما با آقای سیستانی این بود:‌آقای سیستانی می فرمود باید صبر کنی. ‌آقایی که روز اول ذیحجه آمدی محرم به عمره تمتع هستی گفتند تا ظهر روز عرفه نمی گذاریم وارد مکه بشوی آقای سیستانی فرمود بمان در آنجا اگر به حرج نمی افتی. تا وقوفین را درک کنی به عنوان حج افراد. ما می گفتیم نه؛ اطلاق دلیل می گفت المصدود یذبح حیث صد. ما حرف مان این بود. و الا ما قبول داشتیم که اگر محرم بماند تا ظهر روز عرفه راه را باز کنند به سمت عرفات، او حجش مبدل می شود به حج افراد. ما اختلاف مان در آن بحث با آقای سیستانی این بود که می گفتیم قبل از این که ظهر روز عرفه بشود این آقا عرفا مصدود است و مصدود یذبح حیث صد چرا اصرار می کنید که بماند بر حال احرام چون می تواند روز نهم ذیحجه به عرفات و مشعر برود حجش مبدل می شود به حج افراد؟ نخیر؛ چند روز مانده به ظهر روز عرفه مصدود عن عمرة التمتع است المصدود یذبح حیث صد. آن مطلب ما با این مطلب ما در اینجا که گفتیم اگر این آقایی که مصدود است عن الموقفین متحلل نشود به احکام مصدود بماند تا فاته الموقفان بشود مبدل می شود به عمره تمتع اتفاقا این مطلب ما با آن عرض ما در آن بحث در یک راستا هستند و هیچ اختلافی و هیچ تهافتی بین عرائض ما ان شاء الله نیست.

قسم دوم از مصدود از حج کسی است که بعد از وقوف به عرفات و مشعر و اعمال منی، دستگیرش کردند. نمی تواند اعمال مکه را بجا بیاورد. اگر نتواند نائب هم بگیرد، یعنی حتی پلیس کذای عربستان اجازه نمی دهد که به کسی بگوید آقا برو از طرف من طواف و سعی و طواف نساء بجا بیاور، این می شود مصدود. چون مصدود است از اعمال مکه مباشرة و استنابة. اما اگر می تواند این آقا نائب بگیرد برای اعمال مکه...

[سؤال: ... جواب:] بله، برای این که اعمال مکه را نمی تواند انجام بدهد لابالمباشرة و لا بالاستنابة یک ذبح دیگری می کند و یک حلق و تقصیر دیگری می کند. ... حالا شما حداقل ذبح را بگویید المصدود یذبح حیث صد، حالا حلق و تقصیر را بگویید ما دلیل نداریم عیب ندارد. ذبح بکند لااقل. فرض این است که مصدود است از اعمال مکه تا آخر وقت، چون گفتیم مصدود از حج یعنی مصدود از حج تا آخر وقت. دیگر آزادی بی آزادی. دستگیرش کردند از همانجا می فرستند او را به فرودگاه جده.

آقای خوئی فرموده که اگر نائب بگیری ‌آقای مصدود خدا ان شاء الله نجاتت بده از دست این ها اگر می توانی نائب بگیری ففیه تفصیل. آقای خوئی فرموده که یک وقت می آوردند شما را از داخل مکه می برند شما را به زندان. یک وقت نه؛ از همان منی مستقیم می برند شما را به زندان طائف که به مکه هم نمی خوری. این فرق می کند. اگر شما که متمکن هستی از استنابه برای اعمال مکه مصدود از دخول مکه هم شدی، اصلا استنابه معنا ندارد شما احکام مصدود را باید بار کنی. نائب بگیری فایده ندارد. چون مصدود شدی از دخول مکه باید ذبح کنی. نائب می توانی بگیری برای طواف و سعی و طواف نساء آقای خوئی می گوید نه؛ بدرد نمی خورد. امسال ذبح کن احکام مصدود بار کن سال دیگر ان شاء الله خودت بیا یک فیش آزاد بخری حج تمتع دیگری بجا بیاور. اما اگر نه؛ خواهش می کنی از این مامور پلیس عربستان که آقا یک کاری بکنید من مصدود از دخول مکه نشوم. بیارند او را در مکه. حالا که مصدود از دخول مکه نیست و می توانی هم نائب بگیری نائب بگیر. پس کسی که می تواند نائب بگیرد برای اعمال مکه از نظر آقای خوئی فرق است بین این که مصدود از دخول مکه باشد نائب گرفتنش فایده ندارد. یجری علیه حکم المصدود. مصدود از دخول مکه نباشد ولی مصدود از مباشرت اعمال مکه باشد اگر می تواند نائب بگیرد باید نائب بگیرد. و اعمال را انجام بدهد.

سیأتی که این تفصیل درست نیست. روز شنبه ان شاء الله.